

# مسئله اوکراین در مباحثات گروه بیلدبرگ

## باریس نوواسلتسوف

(Boris Novoseltsov)

<http://www.fondsk.ru/news/2014/06/04/ukrainskij-vopros-v-diskussijah-bilderbergskogo-kluba-27836.html>

مترجم: ا. م. شیرینی

<https://eb1384.wordpress.com/2014/06/07/>

۱۷ خرداد- جوزا ۱۳۹۳

۶۲- مین اجلاس سالانه باشگاه بیلدبرگ، یکی از بسته ترین و متنفذترین ساختارهای مدیریت جهانی که روزنامه نگاران از مدتها پیش لقب «توطئه گر بین المللی» به آن داده اند، از ۳۱ ماه مه تا اول ماه ژوئن در کپنهاک برگزار گردید.

در گزارش مطبوعاتی باشگاه آمده است که مسائل زیادی، از جمله، آینده دموکراسی و طبقه متوسط، ساختار بین المللی جدید در خاور میانه، آینده اروپا و غیره در دستورکار آن قرار گرفته بود. در پشت این فرمولبندی ساده، **مسائل باز هم مشخص تری از قبیل چشم انداز برنامه هسته ای ایران، از جمله در پس زمینه نزدیکی روسیه، چین و ایران؛ رشد جنبشهای ناسیونالیستی در اروپا، که خطر فروپاشی آن را تقویت می کند؛ معاهده گاز بین روسیه و چین؛ قوانین آینده اتحادیه اروپا راجع به حریم خصوصی و اینترنت؛ جنگهای سبیرنتیک و تأثیر آنها بر آزادی و اینترنت؛ تغییرات آب و هوایی پنهان شده بود، که مورد بحث و مذاکره قرار گرفت. دو مسئله به موضوع مرکزی بحث تبدیل گردید: اوضاع اوکراین و به باور محافل پرنفوذ جهانی سازی، ناکارآمدی سیاست باراک اوباما.**

قرارداد بلند مدت گاز بین روسیه و چین در پس زمینه همه این بحثها قرار داشت. بعقیده ناظران غربی، روسیه با این گام، موقعیت جهانی خود را، بخصوص در مسئله اوکراین، تا اندازه قابل ملاحظه ای تقویت کرد. همکاری بلند مدت گازی بین روسیه و چین، کی یف را از آخرین ابزار خود- کنترل خط لوله انتقال گاز روسیه به خریداران اروپائی- محروم می کند. در عین حال، پیمان استراتژیک چین و روسیه، سر درد طولانی مدت غرب است، که برای ممانعت از نزدیکی چین و روسیه به هر وسیله ممکن متوسل می شود.

یکی از بیلدبرگی های حاضر در کپنهاگ تأیید کرد که مسئله اوکراین اولین موضوع بحث جلسه صبح روز ۳۱ ماه مه بود. اگر چه ترکیب دقیق شرکت کنندگان این اجلاس معلوم نیست، اما با توجه به لیست مدعون به اجلاس بیلدبرگ، می توان به برخی نتیجه گیریها رسید.

ظاهر همه شرکت کنندگان بحثها بوضوح بر این نظر بودند که استراتژی کنون آمریکا در اوکراین کارآیی چندانی ندارد، اما اینکه چگونه باید تغییر یابد، برایشان تا آخر مشخص نیست. همچنین، کاهش سطح تنش در روابط با مسکو در مسئله اوکراین برای غرب تا چه میزانی ضرورت یافته، معلوم نیست.

در بحثهای باشگاه بیلدبرگ در خصوص اوکراین، احتمالاً **آ. راسموسن**، دبیر کل ناتو و **ف. بریدلاو**، ژنرال چهار ستاره آمریکایی فرمانده نیروهای ناتو در اروپا شرکت داشتند. همین **بریدلاو** که چند روز قبل از کنفرانس بیلدبرگ، پس از جلسه رؤسای ستاد کشورهای ناتو اعلام کرد، که پیمان ناتو قصد ندارد بخاطر بحران اوکراین قالب مناسبات خود را با روسیه در مسائل مربوط با امنیت جهانی، از جمله در ارتباط با افغانستان تغییر دهد (این مسئله که آیا روسیه پا وجود اختلاف نظرات در مسئله اوکراین در نظر دارد قالب مناسبات خود با ناتو را تغییر دهد، ظاهراً به عقل ژنرال آمریکائی نمی رسد). موضع راسموسن روشن است، اما وی در هیچ یک از اظهارات خود در زمانهای اخیر، خواستار رویاروی با روسیه نشده است.

**آی. رومر**، مدیر برنامه روسیه و آوروآسیا در **مرکز کارنگی** که پیشتر تأیید کرده بود که سرچشمه همه مشکلات اوکراین نه از «عامل روسیه»، بلکه، نتیجه خلاء امنیت ناشی از اقدامات رژیم کی یف پس از حوادث «میدان» می باشد، یکی دیگر از شرکت کنندگان بحثها پیرامون اوکراین بود. علاوه بر آن، بعقیده **آی. رومر**، تلاش کی یف برای دریافت کمک نظامی از آمریکا (مثلاً، بشکل تحویل تسلیحات) زیانبار است. زیرا خود اوکراین نهمین صادرکننده اسلحه در جهان است و نه تنها با مشکل کمبود تسلیحات مواجهه نیست، بلکه، با مشکل اضافی آن درگیر است.

جالب است، که آن عده از نمایندگان اتحادیه اروپا که با مسائل اوکراین درگیرند (باستثنای **ک. بیلدا**، وزیر خارجه سوئد)، به اجلاس کپنهاگ دعوت نشده نبودند. بعقیده ناظران، **در این میان نخبگان جهانی اروپائی را بتدریج از مشارکت در حل مسئله اوکراین منع می کنند.**

صاحبان صنایع بزرگ و کارفرمایان که بطور سنتی بخش قابل ملاحظه ای از مدعوین به جلسات بیلدبرگ را تشکیل می دهند، در روند بحثها در کپنهاگ بطور کلی نتوانستند نگرانی خود را از این مسئله پنهان نمایند، که تحریمهای اعلام شده دولت اوپاما برعلیه روسیه، بدون دستاورد آشکار، به کسب و کار آنها صدمه می زند.

علاوه بر آن، دولت اوپاما، به باور منتقدان آن، با عملکردهای خود در مسئله اوکراین شرایطی فراهم آورد، که در اثر آن، پکن و مسکو ایجاد مناسبات طولانی مدت خود را با موفقیت آغاز کردند که غرب آن را بعنوان تهدیدی برای نظام مدیریت جهانی ارزیابی می کند (دلیل تبدیل شدن محتوای همکاری روسیه و چین به اولویت نیز همین است).

بنظر می رسد پس از اجلاس گروه بیلدبرگ، فشارها به باراک اوپاما از دو سو: هم از سوی آنهایی که خواهان تعدیل گفتمان خشن کاخ سفید علیه روسیه هستند و هم از سوی آنهایی که از عدم قاطعیت و نرمش رئیس جمهور آمریکا در رابطه با مسئله اوکراین بشدت انتقاد می کنند و **خواستار تبدیل کردن اراضی اوکراین به میدان نبرد علیه روسیه هستند**، افزایش خواهد یافت.

گفتن اینکه تناسب نهای قوا بین این نیروها چگونه خواهد بود، دشوار است، اما کاملاً آشکار است که در مدت زمان گذشته پس از اجلاس قبلی بیلدبرگ، نارضایتی از واشنگتن رسمی در اروپا افزایش یافته است. علت اتفاق نظر رهبران اروپا، کسب و کار فراملیتی و حتی بخشی از نخبگان دولتی آمریکا درست در همین نکته نهفته است. **وضعیت مسخره ای که بحران اوکراین پدید آورد، عبارت از این است که با همان انزوای سیاسی بین المللی که واشنگتن روسیه را می ترساند، خطر تبدیل شدن به یک واقعیت دارد، البته در اشکال دیگری برای خود ایالات متحده آمریکا.**

نتایج بحثهای بیلدبرگها مشکل بتواند همین فردا ظاهر شود، اما تا پائیز احساس خواهند شد. آن هم در همه بخش های مهم سیاست جهانی- چینی، روسی، اوکراینی...



سکوت و دم فرو بستن رسانه های جمعی وابسته به نیروهای مترقی و شخصیتهای مدعی آزادیخواهی در مورد گروه خطرناک بیلدبرگ و چشم فرو بستن آنها در مقابل تصمیمات شصت ساله و موجودیت نحس آن شرم آور است. مترجم